

بداء و افتتان و امتحان

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (19) - آثار حضرت بهاء الله - امر و خلق، جلد

1

۱۹ - بداء و افتتان و امتحان

از حضرت بهاء الله در کتاب ایقان است قوله الاعلی: "و بعد از مدت‌ها چند مرتبه وعده انزال نصر باصحاب خود فرمودند و در هر مرتبه بداء شد و بعضی از آن اصحاب معدوده بعثت ظهور بداء اعراض مینمودند تا آنکه باقی نماند از برای آنحضرت مگر چهل نفس و یا هفتاد و دو نفس ... و تصدیق نمائید که امتحانات الهیه همیشه در مابین عباد او بوده و خواهد بود تا نور از ظلمت و صدق از کذب و حق از باطل و هدایت از ضلالت و سعادت از شقاوت و خار از گل ممتاز و معلوم شود چنانچه فرموده ام احسب الناس ان یتروکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون."

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز: "ایتها المنشرحة الصدر بانوار الملکوت اعلمی انّ الحکمة الالهیة اقتضت ظهور الامتحان و الافتتان فی عالم الامکان و لا یکاد یتّم امر فی الوجود من غثه و ثمینه و حقیره و خطیره الا بالامتحان فلو کان ابواب الراحة و الغنی مفتوحة علی وجه حواری المسیح من این کان یظهر خلوص پطرس الحواری من خبائة یهودا الاسخریوطی انما ظهر فضائل الاول و رزائل الثانی بسبب الامتحان و الافتتان فهذا من جملة حکم ظهور الامتحان فی عالم الانسان و قوله العزیز امتحان از برای صادقان موهبت حضرت یزدان است زیرا شخص شجاع بمیدان امتحان حرب شدید بنهایت سرور و شادمانی بشتابد ولی جبان بترسد و بلرزد و بجزع و فرغ افتد و همچنین تلمیذ ماهر دروس و علوم خویش



ORIGINAL

را بنهایت مهارت تتبع و حفظ نماید و در روز امتحان در حضور استادان در نهایت شادمانی جلوه نماید و همچنین ذهب خالص در آتش امتحان با روی شکفته جلوه نماید پس واضح شد که امتحان از برای نفوس مقدّسه موهبت حضرت یزدان است اما از برای نفوس ضعیفه بلای ناگهان.

حاشیة

در قرآن در سوره قتال است قوله تعالى: "ولنبلونکم حتی تعلم المجاهدین منکم و الصابرين و نبواخيارکم". و در کتاب کافی در باب البداء از حضرت صادق است . ما بعث الله نبيا حتى ياخذ عليه ثلاث خصال الاقرار له بالعبودية و خلع الانداد و ان الله يقدم ما يشاء و يؤخر ما يشاء

و در تورات است . تارة اتكلم على امه و على مملكة بالقلع و الهدم و الاهلاك فترجع تلك الامة التي تكلمت عليها عن شرّها فاندّم عن الشرّ الذي قصدت لمن اضع بها و تاره اتكلم على امه و على مملكة بالبناء و الغرس فتفعل الشرفى عينى فلا تسمع لصوتى فاندّم عن الخير الذي قلت انى احسن اليها به .

و در کتاب مجمع البحرين است . و قد تكثرت الاحاديث من الفريقين فى البداء مثل اعظم الله بمثل البداء و قوله ما بعث الله نبيا حتى يقوله بالبداء و فى حديث صادق ما بد الله فى شئى كما بد الله فى اسمعيل ابنى . از مواضع بداء در قديم و جديد و قرآن قصه ذبح اسحق يا اسمعيل در غایت شهرت است و از مواضع آن در دوره حضرت رسول آيه قرآنيه و ما جعلنا الرؤيا التى اريناك الا فتنه للناس و شان نزول آن نیز کمال شهرت دارد و بداء مذکور در حق اسمعيل بن جعفر در آثار این امر نیز مذکور است و در کتاب بیان عقیده بداء از ارکان ایمان ثبت گردید و مواضع کثیره از بداء در دوره این امر بداء در قیام بمکه یاظهر کوفه در دوره حضرت نقطه یا بداء در حق محمد علی شاه در دوره حضرت عبدالبهاء در تاریخ این امر ثبت میباشد.